

# کارگران مهاجر

## در خلیج فارس

گروه مطالعاتی خلیج فارس

افزایش فوق العاده بهای نفت در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ و کمبود شدید نیروی انسانی، موج عظیمی از نیروی کار مهاجر را به سوی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، یعنی عربستان، کویت، عراق، امارات عربی متحده، عمان، قطر و بحرین، روانه کرد که در تاریخ بی سابقه بود. در ابتدا اکثر کارگران مهاجر اتباع کشورهای عربی بودند و سپس آسیایها نیز از کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا، ترکیه، ایران، افغانستان، کره جنوبی، فیلیپین، تایلند، مالزی و اندونزی به آنها پیوستند.

گرچه برآوردها متفاوت است و آمار دقیقی موجود نیست، ولی احتمالاً در اوایل دهه ۸۰ بالغ بر ۶ میلیون کارگر مهاجر در منطقه خلیج فارس مشغول کار بوده اند. در میان آنها بیش از ۲ میلیون نفر عرب، ۳/۷۵ میلیون نفر آسیایی، و بقیه آفریقایی (از جمله پناهندگان اتیوپی و غیره) و اروپایی و آمریکایی بوده اند. (باید توجه داشت که تعداد این کارگران مهاجر در سال ۱۹۷۰ به حدود ۶۶۰ هزار نفر می رسید و در سال ۱۹۷۵ به ۱/۲۵ میلیون نفر بالغ شد، که احتمالاً یک پنجم آنها آسیایی بودند.)<sup>۱</sup>

از حیث ملیت در میان مهاجرین تنوع زیادی وجود دارد؛ به عنوان مثال در سال ۱۹۸۰ کارگران مهاجر شاغل در کویت از ۶۸ ملیت گوناگون بودند.

با افزایش عظیم درآمد نفت در این کشورها، ابتدا شرکتهای نفتی و سپس دولتها و بعد بخش خصوصی به تصمیم گیری در خصوص میزان و کیفیت نیروی کار وارداتی پرداختند. بنابراین در میان نیروی مهاجر خارجی که به این کشورها می آمدند، نوعی طبقه بندی به وجود آمد که در رأس آن غربیها (آمریکاییها و اروپاییها) و سپس اعراب (بخصوص مصریها، اردنیها و فلسطینی ها) و بعد از آنها آسیایها (و در درجه اول پاکستانیها و هندیها) قرار گرفتند.

به خاطر بافت اقتصادی خاص کشورهای حوزه خلیج فارس اکثر نیروی کار وارداتی

به جای اشتغال در فعالیتهای تولیدی و صنعتی، در بخشهای خدمات به کار مشغولند. در ضمن بخش عمده‌ای از درآمد این کارگران نیز به خارج منتقل می‌شود، و بدین ترتیب فعالیت این نیروی کار مهاجر همواره تأثیری منفی، به طور جانبی، بر ساختار اقتصادی و مالی کشورهای پذیرنده باقی می‌گذارد.

تفاوت فاحش بین دستمزدها در کشورهای فرستنده و پذیرنده کارگریکی از علل عمده این مهاجرتها به خلیج فارس است. برای نمونه این تفاوت دستمزدها در برخی از کشورها به قرار زیر است:

— مزد نیروهای متخصص بنگلادشی در کشورهای حوزه خلیج فارس بین ۶ تا ۸ برابر مزد آنها در بنگلادش است و این نسبت در مورد کارگران غیرمتخصص بین ۵ تا ۶ برابر می‌باشد.<sup>۲</sup>

— خدمتکاران و کارگران سریلانکایی در کشورهای حوزه خلیج فارس تا ۱۲ برابر مزد خود در سریلانکا، درآمد دارند.<sup>۳</sup>

— معلمین مصری که در شهرهای خود در سال بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ دلار درآمد دارند، می‌توانند در عربستان سالانه تا ۱۲ هزار دلار پس انداز کنند.<sup>۴</sup>

کارگران غیرماهر کشاورزی مصر نیز در عربستان بیش از یک وزیر در مصر درآمد دارند.<sup>۵</sup>

خصوصیات عمده این مهاجرتها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. بسیاری از نیروی کار مهاجر شاغل در خلیج فارس نیروی کار متخصص و نیمه متخصص نظیر تکنیسینها و افراد حرفه‌ای است.

۲. موج عظیم مهاجرت نیروی کار از کشورهای عربی و آسیایی به کشورهای حوزه خلیج فارس باعث شد که اوایل دهه ۱۹۸۰، در این کشورهای کم جمعیت، بین ۷۰ تا ۸۰ درصد از نیروی کار خارجی و مهاجر باشند.

۳. اکثر این مهاجرتها بدون هیچگونه همکاری و تبادل نظری بین دولتهای کشور فرستنده و پذیرنده نیروی کار به انجام می‌رسد و این مسئله می‌تواند برای کشور پذیرنده مشکلات فراوانی از نظر کنترل نیروی کار وارداتی و احياناً جلوگیری از فعالیتهای مضر و مخرب آنها به وجود آورد.

در سالهای قبل کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس به خاطر مشکلات و کمبودهای فراوان، از نظر نیروی کار متخصص بومی، عملاً برای به مصرف رساندن درآمد ارزی عظیم خود چاره‌ای جز استخدام نیروی کار متخصص خارجی نداشتند. اکنون

چرخ صنایع و طرحهای عمرانی و تأسیسات خدماتی—فنی این کشورها عملاً به دست کارگران متخصص مهاجر می‌چرخد و در عمل میزان نیروی کار محلی و بومی بسیار محدود و تخصص آنها بسیار کم است. نیروهای بومی موجود سریعاً جذب دستگاه عریض و طویل بوروکراسی شده، به جای شرکت در فعالیتهای تولیدی و فنی می‌کوشند با استفاده از ارتباطات و امتیازات قومی و قبیله‌ای و خانوادگی خود را به مقامات و مناصب مدیریت برسانند و از راه‌های بدون زحمت و میان‌بر صاحب ثروت و مکننت شوند.

تأثیر منفی و مخرب حضور نیروهای کارگر مهاجر در میان جمعیت کم بومی این کشورها قابل توجه است. این تأثیر در کشورهایی که دارای تاریخ و فرهنگ کهنی نیستند بیشتر خواهد بود. شاید به همین خاطر است که در کشورهایی مثل عربستان و عمان، که می‌توانند تاریخ گذشته خود را تا حدودی مشخص کنند و خطوط فرهنگی—سنتی خود را تا حدی ترسیم نمایند، عکس‌العملها و نگرانیها نسبت به نیروی کار مهاجر خارجی کمتر است؛ و به عکس در کشورهایی مانند کویت و امارات که دارای تاریخ کهن و دقیق و شخصیت فرهنگی مشخص و شکل گرفته‌ای نیستند عکس‌العملهایی در قبال نیروی کار خارجی نشان داده شده است.

عموماً کارگران مهاجر شاغل در کشورهای حوزه خلیج فارس با مشکلات عمده‌ای روبه‌رو هستند و این مشکلات در مورد کارگران آسیایی بیشتر مشهود و چشمگیر است. اهم این مشکلات را می‌توان به قرار زیر عنوان کرد:

۱. یافتن شغل در کشورهای حوزه خلیج فارس برای کارگران مهاجر خارجی بخصوص کارگران آسیایی، که با مشکل زبان نیز روبه‌رو هستند، از طریق شرکتهایی صورت می‌گیرد که در حوزه خلیج فارس ارتباطاتی دارند. این شرکتها که از کارگران متقاضی مبالغ قابل توجهی حق العمل دریافت می‌کنند، عموماً با سفارتخانه‌های کشورهای عربی حوزه خلیج فارس در محل تماس دارند و ضمناً با کارفرمایان عمده در کشورهای فوق نیز در ارتباطند؛ و براساس نیاز و سفارش آنها به جذب نیروی کار مناسب می‌پردازند. این ترتیب باعث می‌شود که الزاماً اکثر کارگران مهاجر خارجی در محلهای تعیین شده و با کارفرماهای معین کار کنند و اختیاری در خصوص انتخاب محل و نوع کار نداشته باشند. در مورد میزان دستمزد نیز این کارگران فاقد حق اظهار نظر و انتخاب هستند و این مسئله‌ای است که بین شرکت واسطه و کارفرما حل و فصل می‌شود.

لازم به یادآوری است که برخی از این کارگران با پرداخت وجوهی به کارفرمای خود می‌توانند در مراکزی غیر از محل تعیین شده اولیه مشغول به کار شوند. در عمل تعدادی از

اعضای خانواده‌های حاکم در کشورهای حوزه خلیج فارس با در دست داشتن اجازه ورود نیروی کار از خارج، با شرکتهای واسطه تماس برقرار کرده، تعدادی کارگر به کشور وارد می‌کنند. این کارگران با پرداخت وجوهی از درآمد خود به واسطه و دلال مربوطه، آزادانه در هر حرفه‌ای که مایل باشند به کار می‌پردازند و از مزایای حمایت شخص ذینفوذ فوق برخوردار می‌شوند.

۲. تأیید اجازه اقامت و کار این کارگران فقط با توافق کارفرما و وزارت کار کشور محل توقف امکان دارد، لذا در صورت عدم رضایت کارفرما، کارگران بلافاصله در پی توافق کارفرما و وزارت کار، از کار بیکار و از کشور اخراج می‌شوند. با وجود چنین شرایطی، کارگر مهاجر خارجی هر لحظه خود را در معرض خطر بیکاری و اخراج می‌بیند و به ناچار به تحمیلات و فشارهای کارفرما و عوامل وی تن در می‌دهد. چنین وضعیتی باعث شده که دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از کارگران مهاجر، در جهت نیل به اهداف خود، استفاده‌های شایانی ببرند، و تمديد و تأیید اجازه اقامت و کار را به عنوان اهرمی در راه به کارگیری این افراد برای جمع‌آوری اطلاعات و کنترل فعالیت‌های مردم بومی و یا گروه‌هایی از کارگران خارجی مورد استفاده قرار دهند. این گونه عوامل، گاه در سفارتخانه‌های خارجی و گاه در ادارات دولتی به کار گماشته می‌شوند و در بعضی موارد به استخدام دستگاه‌های اطلاعاتی در می‌آیند.

۳. این کارگران عموماً به خاطر جمع‌آوری سرمایه و پس‌اندازی که بتواند آینده آنها را در موطنشان تأمین کند، تن به مشاغل سخت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس می‌دهند و اکثراً برای پس‌انداز بیشتر در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسایی به طور گروهی زندگی می‌کنند. در این زندگی گروهی علاوه بر سختی‌هایی که متحمل می‌شوند، از نظر اخلاقی نیز به فساد کشیده شده، حتی این فساد را در محیط زندگی و در میان مردم بومی محل نیز منتشر می‌کنند.

در پایان دوره قرارداد کار نیز اکثراً این کارگران - بخصوص آسیاییها - گاه بیش از نیمی از پس‌انداز خود را صرف خرید وسایل برقی و الکترونیکی و کالاهای لوکس می‌کنند (به این امید که بتوانند آنها را در کشورهای متبوع خود به فروش رسانند). در نتیجه از میزان ارزش‌خارجی که ممکن بود توسط این کارگران به میهنشان ارسال شود نیز کاسته می‌شود، و در عوض تجارت و کسبه کشور محل اشتغال آنها سود بیشتری به دست می‌آورند.

۴. بینش این کارگران نسبت به کارفرماها و طبقه خارجی مرفه و اعراب ثروتمند اغلب بدبینانه و همراه با تنفر است، زیرا بین زندگی آنها و طبقات اخیر تفاوت و فاصله‌ای

باور نکردنی وجود دارد. با این حال به دلیل احتیاج به ادامه کار، این کارگران در مدت قرارداد خود قادر نیستند به هیچگونه عکس‌العملی دست زنند. علاوه بر این با توجه به سیستم قبیله‌ای حاکم بر جوامع کشورهای حوزه خلیج فارس و فقدان مقررات و نهادهای قضایی صالح و مستقل، امتیازات طبقاتی صاحبان قدرت و کارفرمایان، که اکثراً با خانواده‌های شیوخ حاکم مرتبط هستند، در همه سطوح منعکس می‌باشد. بنابراین کارگران مهاجر از هیچ حقی - حتی حقوق تعیین شده توسط قوانین کار کشور متوقف فیه - برخوردار نیستند و در مواردی که مورد ظلم و تعدی قرار می‌گیرند، مرجعی بر تظلم و رفع تعدی از آنان وجود ندارد.

۵. اکثر کارگران مهاجر به خاطر عقب‌ماندگی فنی و صنعتی کشورهای حوزه خلیج فارس، در پایان دوره اقامت خود در این سرزمینها، بجز مبالغی اندوخته مالی، بهره‌ای از نظر پیشرفت علمی و تجربی نمی‌برند و سطح دانش کاری آنها تفاوتی نمی‌کند. بسیاری از کارگران عرب و آسیایی به خاطر نداشتن مهارت‌های فنی به کارهای پست و کم اهمیت در کشورهای نفت‌خیز عرب مشغول می‌شوند و در پایان کار خود از نظر تجربه در همان سطح اولیه باقی می‌مانند.

طبق برخی از گزارشها مهاجرین لبنانی و اردنی عموماً تحصیل کرده و کارآزموده هستند. بعضی برآوردها در مورد مصریها نشان می‌دهد که ۳۸ درصد از کسانی که با «اجازه کار در خارج» در اواخر دهه ۷۰ از مصر خارج شده‌اند، در کشور خود مشاغل علمی و فنی داشته‌اند.<sup>۶</sup> با این حال در سالهای اخیر بسیاری از کارگران مصری که به عراق و لیبی مهاجرت کرده‌اند فاقد «اجازه کار» بوده‌اند.

طبق یک گزارش از کویت، مصریها از یک طرف دارای مشاغل مهمی در رشته‌های آموزشی و پزشکی بوده‌اند و از طرف دیگر تعداد مصریها و سوریه‌ها در کارهای کم اهمیت و پست نیز بیش از سایر مهاجرین بوده است.<sup>۷</sup> اکثر کارگران عمانی و سودانی و سومالیایی و برخی یمنیهای شاغل در کشورهای حوزه خلیج فارس (که بخصوص در عربستان متمرکز هستند) نیز کارگرانی غیرماهر و معمولی می‌باشند؛ که بعضاً به امور انتظامی و امنیتی اشتغال دارند. این گونه کارگران در پایان مدت کار خود در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تجربه کاری قابل توجهی به دست نمی‌آورند.

از اواسط دهه ۷۰ تغییراتی در سیاست کشورهای واردکننده نیروی کار - بخصوص عربستان - به وجود آمد، و آن توجه بیشتر به کارگران آسیایی بجای کارگران عرب بود. گرچه مهاجرین عرب زبان برای تصدی مشاغل آموزشی و اداری ضروری بودند ولی واردکنندگان نیروی کار برای سایر مشاغل، کارگران آسیایی ناآشنا به زبان عربی را

ترجیح می‌دادند. علت این تغییر سیاست بیش از آنکه اقتصادی باشد سیاسی-اجتماعی و فرهنگی بود. در واقع رهبران کشورهای محافظه کار عرب حوزه خلیج فارس از آن بیم داشتند که با افزایش تعداد کارگران مهاجر عرب و با توجه به زندگی توأم با تبعیض و به نسبت سخت آنان، گروه‌های فعال سیاسی در آن کشورها تشکیل شود و افکار سیاسی و انقلابی را در جوامع بسته و عقب مانده آنها وارد کنند. بدیهی است به خاطر اشتراک زبان و امکان ارتباط فکری بین مهاجرین عرب و مردم بومی، این گونه افکار به طور وسیعی می‌تواند در میان اقشار مختلف مردم رسوخ کند و اساس حکومت‌های قبیله‌ای را در این کشورها متزلزل نماید. شورش سال ۱۹۷۹ در عربستان و اشغال خانه کعبه توسط گروهی از انقلابیون عرب، این بیم را در میان رهبران عرب منطقه تقویت کرد و آنها را بیش از پیش متوجه کارگران آسیایی ناآشنا به زبان عربی ساخت و در این میان کارگران پاکستانی و بنگلادشی و هندی ارجحیت و امتیازی به دست آوردند.

یک علت اقتصادی نیز در خصوص توجه به کارگران آسیایی به جای کارگران عرب وجود دارد و آن اینست که کارگران آسیایی عموماً از تجربه و مهارت بیشتری برخوردارند و کارایی و سخت کوشی آنها بیش از اعراب است. در ضمن کاهش درآمدهای نفتی، رهبران عرب را نسبت به دستمزد کارگران خارجی حساس کرده است. این دستمزدها در میان کارگران فقیر آسیایی عموماً پایینتر از کارگران عرب است. گرچه در قطعنامه ۱۹۸۳ «سازمان کارگری عرب»<sup>۸</sup> به رهبران عرب توصیه شده که برای کارگران عرب تقدم قائل شوند، ولی این قطعنامه در عمل هیچ تأثیر بر روش آن رهبران نگذاشته است.

نکته قابل توجه آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اکثر کارگران و کارکنان ایرانی شاغل در کشورهای حوزه خلیج فارس نیز مورد سوءظن مقامات محلی قرار گرفتند و با آنها مانند عوامل بالقوه صدور انقلاب به کشورهای منطقه رفتار می‌شد. پس از آغاز جنگ تحمیلی و اقدامات خرابکارانه عوامل عراقی در این کشورها نیز اخراج دسته جمعی اتباع ایران در برخی نقاط آغاز شد. از آن پس پذیرش کارگران ایرانی و دادن اجازه کار به آنها در کشورهای حوزه خلیج فارس با مشکلات و محدودیتهای فراوانی روبه‌رو شد و برعکس گروه‌هایی از ایرانیان مقیم و شاغل در این کشورها به ایران بازگشتند و بعضاً ناچار شدند سرمایه و داراییهای خود را بلا تکلیف در آن نقاط رها کنند.

طبق برآوردی که از سوی دو نفر محقق انگلیسی به عمل آمد، در سال ۱۹۷۵ تعداد کارگران مهاجر فقیر عرب در کشورهای ثروتمند عرب در حوزه خلیج فارس در حدود ۱/۲۳۷ میلیون نفر بوده که با احتساب اعضای خانواده آنها تعدادشان به ۲/۵ میلیون نفر بالغ می‌شد.

این تعداد در سال ۱۹۷۹ به ۱/۵۷ میلیون نفر رسید که با احتساب اعضای خانواده‌هایشان بالغ بر ۳ میلیون نفر می‌شدند. بر طبق همین برآورد در سالهای بعد بیش از ۱ میلیون نفر کارگر مهاجر خارجی، که اکثر آنها از کشورهای آسیایی بودند، در کشورهای ثروتمند عرب مشغول به کار شدند (و این بدون احتساب اعضای خانواده‌های آنهاست).<sup>۹</sup> برخی از صاحب نظران این برآوردها را خیلی پایینتر از ارقام واقعی می‌دانند. به نظر می‌رسد که در سال ۱۹۷۵ نیز موج مهاجرت به کشورهای حوزه خلیج فارس هنوز در مراحل اولیه خود بوده است، زیرا بجز عراق، که از هنگام آغاز جنگ تحمیلی در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) به بعد به صورت یکی از مهمترین واردکنندگان نیروی کار - بخصوص از مصر - درآمد، عربستان نیز با آغاز طرحهای عمرانی عظیم خود از ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۰ واردکننده عمده نیروی کار بود. این واردات نیروی کار با طرحهای جاه طلبانه برنامه عمرانی پنج ساله بعدی عربستان (۸۵-۱۹۸۰) باز هم رو به افزایش گذاشت و گروه انبوهی از کارگران خارجی راهی آن کشور شدند. در سال ۱۹۸۲، طبق برآورد، در حدود ۴ میلیون نفر نیروی کار از کشورهای فقیر عرب در ممالک ثروتمند حوزه خلیج فارس به کار اشتغال داشته‌اند<sup>۱۰</sup>، که با احتساب اعضای خانواده‌های آنها ممکن است تعداد آنان به بیش از ۶ میلیون نفر برسد. حتی این برآورد نیز با توجه به واردات عظیم نیروی کار توسط عراق، پس از آغاز جنگ تحمیلی، به نظر بعضی از کارشناسان کمتر از واقع می‌باشد. با این حال این تعداد غیر از تعداد عظیم نیروی کار مهاجر آسیایی است که از اواسط دهه ۷۰ راهی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس شده‌اند، و در حال حاضر در بعضی از کشورهای فوق، آسیاییها اکثریت کارگران مهاجر را تشکیل می‌دهند.

طبق برخی برآوردها مصر بیش از نیمی، و حتی نزدیک به دوسوم نیروی کار مهاجر عربی شاغل در کشورهای ثروتمند عرب را تأمین می‌کند. از سوی دیگر عربستان حدود ۴۰ درصد و عراق حدود ۳۰ درصد از نیروی کار مهاجر عربی را در کشورهای خود دارند.<sup>۱۱</sup> وابستگی شدید عربستان به نیروی کار وارداتی - که تا حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد برآورد شده - مسائلی جدی برای حکومت و اقتصاد عربستان به وجود آورده است. تعداد کمی از اتباع عربستان واجد شرایط لازم برای تصدی مشاغل تخصصی گوناگون جوامع امروزی هستند و این نکته ای است که سران سعودی نیز به آن آگاهند و هر از گاهی برنامه‌ها و بودجه‌هایی را برای آموزش اتباع کشور تعیین و تهیه می‌کنند. ولی به هر حال نشانه‌ای از تغییر چشمگیر در اوضاع نیروی انسانی این کشور مشهود نیست و آن دسته از اتباع عربستان که تحصیل کرده و تخصصی به دست آورده‌اند نیز بیشتر در صدد کسب مشاغل کلیدی

اداری در دستگاه بوروکراسی کشور و وارد شدن درزد و بندهای اقتصادی و تجاری هستند. در عراق نیز تعداد زیاد کارگران مهاجر خارجی مشکلات فراوانی را ایجاد کرده است و از آن جمله مشکلاتی بود که در خصوص حواله درآمد کارگران به صورت ارز به خارج، بروز کرد. در این مورد دولت مصر در قبال تصمیم دولت عراق مبنی بر کنترل مبادلات ارزی کارگران خارجی، ناچار به مداخله شد. بویژه که تعدادی از کارگران مصری نیز به اتهام قاچاق ارز توسط دولت عراق توقیف شده بودند و حتی گفته شد که صدام حسین یکی از آنان را شخصاً اعدام کرده است.<sup>۱۲</sup>

تقریباً همه کشورهای حوزه خلیج فارس مشکلاتی در زمینه انواع نیروهای کار دارند و هنوز نتوانسته اند افراد بومی را برای جایگزینی نیروی کار وارداتی آموزش دهند. در این خصوص کمی نسبی جمعیت بومی این کشورها و کمبود امکانات آموزشی آنها از مشکلات عمده به حساب می آید. در کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس بین ۶۰ تا ۹۰ درصد نیروی کار را کارگران خارجی تشکیل می دهند و اگر نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی و انتظامی داخلی را مستثنی کنیم درصد نیروی کارگر خارجی از این هم بالا تر خواهد رفت.<sup>۱۳</sup> به هر حال در ترکیب نیروهای کارگر خارجی، از نظر ملیت، تفاوتی وجود دارد. در عربستان کارگران آسیایی در سالهای اخیر درصد بیشتری را تشکیل می دهند و اینک بالغ بر نیمی از نیروی کار خارجی را شامل می شوند. نیم دیگر نیز اعرابی هستند که بیشتر مینی و مصری می باشند.<sup>۱۴</sup> کویت نیز با توجه به جمعیت اندک خود درصد بسیار بالایی از نیروی کارش، خارجی و بیشتر عرب هستند. گرچه در سالهای اخیر کویتها نیز کارگران آسیایی را ترجیح می دهند، از میان ۵۲۵ هزار کارگر خارجی که در سال ۱۹۸۳ در کویت به کار اشتغال داشتند، بالغ بر ۴۰۰ هزار نفر آنها عرب بوده اند، که اکثر آنها را اردنی - فلسطینی ها تشکیل می دادند و مصریها از نظر تعداد در درجه دوم بودند.<sup>۱۵</sup> (در کویت نیروی کار محلی را در حدود ۱۲۵ هزار نفر تخمین می زنند که اکثر آنها به مشاغل دولتی اشتغال دارند.)

در نظامهای اقتصادی بحرین و قطر و عمان نیز نیروی کار خارجی نقش مهمی دارد، اما در این کشورها کارگران مهاجر عرب بخش کمتری را در میان کارگران خارجی شامل می شوند. در امارات عربی متحده، که ابعاد اقتصادی وسیعتری نسبت به کشورهای فوق دارد، ۹۰ درصد نیروی کار را کارگران مهاجر تشکیل می دهند؛ که بخش اعظم آنها کارگران آسیایی هستند. تعداد هندیها را در امارات عربی متحده در حدود ۲۵۰ هزار نفر و تعداد پاکستانیها را ۲۰۰ هزار نفر برآورد کرده اند.<sup>۱۶</sup> علاوه بر این تعداد کارگران عرب



مهاجر در این کشور را بین ۱۲۵ تا ۱۵۰ هزار نفر تخمین می‌زنند.<sup>۱۷</sup> عراق که در سالهای اخیر به خاطر جنگ تحمیلی بشدت با کمبود نیروی انسانی مواجه شده است، بعد از عربستان دومین کشور وارد کننده نیروی کار خارجی در حوزه خلیج فارس محسوب می‌شود. طبق برخی گزارشهای منتشر شده، در اواخر سال ۱۹۸۳ و اوایل سال ۱۹۸۴ تعداد نیروی کار خارجی در عراق - که بخش اعظم آنها مصری هستند - بین ۱/۵ تا ۲ میلیون نفر برآورد شده است.<sup>۱۸</sup> در اوایل دهه ۷۰ بالغ بر ۵۰۰ هزار نفر مصری به صورت کارگر کشاورزی در عراق مشغول کار بوده‌اند.<sup>۱۹</sup>

با کاهش بهای نفت در بازار جهانی و بروز رکود در اقتصاد کشورهای تولید کننده نفت حوزه خلیج فارس بتدریج تقاضا برای نیروی کار خارجی روبه کاهش نهاد، به طوری که طبق برخی برآوردها در سال ۱۹۸۴ بین ۱۵ تا ۲۰ درصد از مزد کارگران و کارکنان در منطقه خلیج فارس کاسته شد.<sup>۲۰</sup> علاوه بر این در پی برخی اقدامات تخریبی و براندازی بعضی گروه‌های مخالف در کشورهای حوزه خلیج فارس مقامات امنیتی این کشورها - با هماهنگی با یکدیگر - در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس - سوءظن خود را نسبت به نیروی کار خارجی بویژه نیروهای عرب و ایرانی و بخصوص کارگران شیعه مذهب افزایش داده و درصدد توقیف و تصفیه و اخراج آنان برآمدند.

طبق بعضی آمارها در سال ۱۹۸۴ بالغ بر ۷۰۰ هزار کارگر خارجی منطقه خلیج فارس را ترک کرده‌اند.<sup>۲۱</sup> تنها در عربستان سعودی، طی سال ۱۹۸۵، ماهانه به طور متوسط ۵۰ هزار نفر کارگر خارجی این کشور را ترک نموده‌اند.<sup>۲۲</sup> طبق برنامه عمرانی پنج ساله اخیر عربستان، که از ماه مارس ۱۹۸۵ آغاز شده، تعداد کارگران خارجی در این کشور حدود ۲/۶۵۹ میلیون نفر برآورد شده است. اما تخمینهای غیررسمی ارقام بالاتری را نشان می‌دهد.<sup>۲۳</sup>

کاهش تقاضا برای نیروی کار خارجی در کشورهای حوزه خلیج فارس و احیاناً اخراج و معاودت این کارگران به کشورهای موطن خود برای این کشورها نیز می‌تواند پی آمدهای مصیبت باری داشته باشد. بخصوص در کشورهایی نظیر مصر که حدود ۳ میلیون نفر از اتباعشان در منطقه خلیج فارس مشغول کار هستند و سالانه مبالغ هنگفتی از درآمد خود را به صورت ارز به کشور متبوع خود ارسال می‌دارند، ادامه این روند می‌تواند هم از نظر درآمدهای ارزی و هم از جهت تهیه کار و مسکن و غیره برای اتباع معاود به کشور، مشکلات عمده‌ای برای اقتصادهای ضعیف آنان فراهم آورد. طبق برآورد مسئولین مصری بالغ بر ۵۰۰ هزار نفر از کارگران مصری شاغل در حوزه خلیج فارس تا پایان سال ۱۹۸۵ از

کار بیکار شده اند<sup>۲۴</sup>، و طبیعی است که بازگشت این عده کارگر همراه با اعضای خانواده هایشان به مصر می تواند برای رژیم این کشور مشکلات فراوانی به بار آورد.

گرچه ممکن است کشورهای حوزه خلیج فارس در صدد باشند وابستگی خود را به نیروی کار خارجی کاهش دهند، اما با وجود بافت و ساخت اقتصادی و سیاسی فعلی آنها و با توجه به کمبود کلی نیروی انسانی آنان، نیل به چنان هدفی بسیار بعید می نماید. یکی از راههایی که در این زمینه به نظر می رسد این است که این کشورها در صدد برآیند که همه کارگران عرب و حتی برخی از آسیاییهایی را، که مدت‌های مدیدی است در سرزمینشان اقامت و اشتغال دارند، به تابعیت خود درآورند؛ ولی این طرح برای اکثر بومیها قابل قبول نیست و دولت‌ها ممکن است چنین اقدامی را از نظر امنیتی به سود خود ندانند. علاوه بر این احتمالاً بسیاری از نیروی کار مهاجر خارجی شاغل در این کشورها نیز حاضر نیستند که رابطه تابعیت خود را با کشورهای مادر از دست بدهند. این نیروها اکثراً با تحمل مشقات و سختیهای زیاد می کوشند که پس اندازی برای خود فراهم آورند و با استفاده از تفاوت سطح دستمزدها و هزینه ها این پس اندازها را در کشورهای متبوع خود به کار اندازند و باقی عمر را در رفاه بسر برند؛ در حالی که سکونت دائمی آنها در کشورهای حوزه خلیج فارس نمی تواند آینده مرفهی را برای آنان تأمین کند.

#### آمار جمعیت و تعداد تقریبی خارجیهای شاغل در کشورهای حوزه خلیج فارس

۱. امارات عربی متحده

— کل جمعیت حدود ۱/۲۰۶ میلیون نفر<sup>۲۵</sup>

— حدود ۲۵۰ هزار نفر هندی<sup>۲۶</sup>

— حدود ۲۰۰ هزار نفر پاکستانی<sup>۲۷</sup>

— حدود ۸۰ هزار نفر ایرانی

— حدود ۱۲۵ تا ۱۵۰ هزار نفر عرب از کشورهای: مصر، سودان، مغرب، عمان،

فلسطین و یمن شمالی<sup>۲۸</sup>

— حدود ۱۷ هزار نفر انگلیسی (در سال ۱۹۸۵)

— حدود ۶/۵۰۰ نفر بنگلادشی

— حدود ۳۵۰ نفر الجزایری

— تعدادی از اتباع تایلند، فیلیپین و سریلانکا

— تعدادی افراد اروپایی و آمریکایی

## ۲. بحرین

- کل جمعیت حدود ۳۷۱ هزار نفر<sup>۲۹</sup>
- حدود ۷۰ هزار نفر ایرانی
- حدود ۳۵ هزار نفر هندی
- حدود ۱/۴۰۰ نفر بنگلادشی
- تعدادی از اتباع پاکستان، تایلند، تایوان و کره جنوبی
- تعداد زیادی اروپایی و آمریکایی

## ۳. عراق

- کل جمعیت حدود ۱۴/۱۱ میلیون نفر<sup>۳۰</sup> (برآورد سال ۱۹۸۲)
- حدود ۱/۵ میلیون نفر مصری (۵۰۰ هزار نفر کشاورز مصری از اوایل دهه ۷۰ در عراق به کار مشغولند)<sup>۳۱</sup>
- حدود ۳۵ هزار نفر هندی
- حدود ۱۴ هزار نفر بنگلادشی
- تعداد زیادی از اتباع پاکستان، مغرب، سودان، فلسطین، یمن، سریلانکا، تایلند و ژاپن
- تعدادی افراد اروپایی

## ۴. عربستان سعودی

- کل جمعیت ۱۰/۴۲۱ میلیون نفر (طبق برآورد سازمان ملل در نیمه سال ۱۹۸۳)<sup>۳۲</sup>
- حدود یک میلیون نفر از اتباع یمن شمالی
- بین ۷۵۰ هزار تا یک میلیون نفر پاکستانی<sup>۳۳</sup> (بنا بر بعضی گزارشها فقط در پادگان ملک خالد عربستان حدود ۳۰ هزار نفر نظامی پاکستانی مشغول خدمت هستند).
- حدود ۱۸۰ هزار نفر هندی
- ۸۵ هزار نفر ترک
- حدود ۴۰ هزار نفر آمریکایی<sup>۳۴</sup>
- تعداد زیادی بنگلادشی (حدود ۱۵ هزار نفر بنگلادشی نیز در میان نظامیان پادگان ملک خالد عربستان خدمت می کنند)
- تعداد زیادی از اتباع سودان، سومالی، مغرب، مصر، عمان، فلسطین، سریلانکا، تایلند، فیلیپین، تایوان و کره جنوبی

— تعداد زیادی اروپایی

۵. عمان

— کل جمعیت حدود ۲ میلیون نفر (طبق برآورد سال ۱۹۸۴ برای برنامه ریزی)<sup>۳۵</sup>

— حدود ۱۵۰ هزار نفر هندی

— حدود ۷/۳۰۰ نفر بنگلادشی

— تعدادی از اتباع انگلیس (که حدود ۵/۰۰۰ نفر آنها در دستگاه‌های دولتی

شاغل هستند)

— تعدادی اتباع پاکستان و کره جنوبی

۶. قطر

— کل جمعیت حدود ۲۷۰ هزار نفر (طبق بررسی سال ۱۹۸۳) که حدود ۷۰ هزار

نفر آنها بومی هستند.<sup>۳۶</sup>

— حدود ۴۰ هزار نفر ایرانی

— حدود ۴۰ نفر هندی

— حدود ۲۶ هزار نفر پاکستانی

— حدود ۲/۲۰۰ نفر بنگلادشی

— بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر از اتباع مصر، لبنان، سوریه، عمان، یمن، فلسطین، اردن،

سومالی، عربستان، ترکیه، فیلیپین و کره جنوبی

۷. کویت

— کل جمعیت ۱/۶۷۲ میلیون نفر (براساس برآورد سال ۱۹۸۳)<sup>۳۷</sup>

— حدود ۲۷۰ هزار نفر اردنی — فلسطینی

— حدود ۹۰ نفر نفر عمانی

— حدود ۸۰ هزار نفر هندی

— حدود ۷۹ هزار نفر مصری

— حدود ۵۸ هزار نفر عراقی

— حدود ۵۴ هزار نفر سوری

— حدود ۵۰ هزار نفر ایرانی

— حدود ۳۲ هزار نفر لبنانی

— حدود ۳۰ هزار پاکستانی

— حدود ۱۷ هزار نفر عرب سعودی

- حدود ۵/۵۰۰ نفر بنگلادشی  
 — حدود ۲۱۰ هزار نفر از سایر کشورهای عرب  
 — حدود ۱۰ هزار نفر از سایر کشورهای جهان

1. *Middle East Review*, (Spring, 1986), p. 24.
2. Syed Ashraf Ali, Labour Migration from Bangladesh to Middle East, World Bank Staff Working Paper, p.II.
3. Sri Lanka Ministry of Plan Implementation, Migration of Sri Lankans to the Middle East, p.11.
4. David B.Ottway, "New Wealth from Foreign Jobs", *International Herald Tribune*, (1 Feb., 1985).
5. Fatma khafagy, *SOCIO-Economic Impact of Emigration from a Ciza Village* (American University of Cairo, 1983), p. 142.
6. N. Ayubi, "The Egyptian Brain Drain: A Multidimensional Problem", *International Journal of Middle East Studies*, (Nov, 1983), p. 438.
7. *The Arab Economist*, (April, 1979), pp. 31-32.
8. Arab Labor Organization.
9. *Middle East Review*, (Spring, 1986), p. 30.
10. *The Middle East*, (Aug, 1982).
11. E. Kanovsky, "Migration from the Poor to Rich Arab Countries", *Middle East Review*, (Spring, 1986), p. 31.
۱۲. العالم، (۳۰ اوت، ۱۹۸۶)، ص. ۸۰.
13. *Middle East Review*, (Spring, 1986), p. 33.
14. *Ibid.*
15. *Ibid.*
16. *Middle East Review*, (Spring, 1986), p. 33.
17. *Ibid.*
18. *Ibid.*
۱۹. محمد حسنین هیکل، پاییز عشم، ترجمه محمد کاظم موسانی، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص. ۱۶۸.
20. *Middle East Review*, (Spring, 1986).
21. *Meed*, (Jan., 1985), p. 5.
۲۲. گزارش خبرگزاری رویتر از بحرین، ۱۵ دسامبر ۱۹۸۵.
23. *Middle East Review*, (Spring, 1986), p. 33.
24. *The Economist*, (31 August, 1985), p. 43.
25. *Middle East and North Africa*, (Europa Publication, 1986), p. 815.
26. *Gulf News*, (16 Dec., 1985).
27. *Ibid.*
28. *Middle East Review*, (Spring, 1986), p. 33.
29. *Middle East and North Africa*, p. 301.
30. *Op. Cit.*, p. 436.
۳۱. حسین هیکل، پیشین، ص، ۱۶۸.
32. *Middle East and North Africa*, p. 666.
33. *Middle East Review*, (Winter, 1985).
34. *Observer*, (9 April, 1986).
35. *Middle East and North Africa*, p. 634.
36. *Op. Cit.*, p.p. 647, 523.
37. *Ibid.*



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی